

بررسی اصل ۱۷۷ قانون اساسی با تاکید بر مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی

جواد تقی‌زاده*

معصومه فدایی جویباری**

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۳۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۱۴

چکیده

بازنگری قانون اساسی فرایندی در چارچوب مشخص است که به تغییر، الحاق و حذف قواعد مندرج در قانون اساسی منجر می‌شود. تفوق قانون اساسی نسبت به سایر هنجارهای حقوقی ایجاد می‌نماید که حدود این چارچوب در قانون اساسی تعیین گردد. اصل ۱۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره بازنگری قانون اساسی است که در این مقاله با تاکید بر مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی بررسی شده است. ابتکار بازنگری با مقام رهبری است که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را پیشنهاد می‌کند. متن نهایی بازنگری توسط شورای بازنگری قانون اساسی تدوین و پس از تایید و امضای رهبری برای تصویب نهایی به همه‌پرسی واگذار می‌شود. محدودیت‌های موضوعی و اوضاع و احوال برای قوه‌ی بازنگری در قانون اساسی تعیین شده‌اند.

کلیدواژگان: قانون اساسی، بازنگری، رهبر، شورای بازنگری قانون اساسی، همه‌پرسی

مقدمه

قانون اساسی عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور و میثاق بین یکایک افراد ملت و حکومت است. ایجاد نظام سیاسی و ساختار حکومتی، تحدید قدرت سیاسی حاکم، شناسایی حقوق شهروندی و صیانت از آن‌ها مبین اهمیت موضوعی قانون اساسی نسبت به سایر قوانین می‌باشند. با این حال، چنین سند مهمی محصول تفکر بشری است و اندیشه‌ی بشری توان آینده‌نگری ابدی را ندارد و

* دانشیار دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

jtaghizadehd@yahoo.com

** کارشناس ارشد حقوق عمومی از دانشگاه مازندران.

مقید به زمان خویش است. ذهن بشر هر چقدر هم تکامل یابد نمی‌تواند جلوتر از زمان خویش قدم بردارد زیرا بسیاری از تحولات و اقتضائات اجتماعی قابل پیش‌بینی نیستند. با بروز تحولات در گذر زمان افق‌های جدیدی بر روی مسائل و موضوعات اجتماعی باز می‌شوند که این تحولات بازنگری قانون را اجتناب‌ناپذیر می‌کنند. هیچ قانون بشری از جمله قانون اساسی نمی‌تواند در برابر تحولات جامعه مقاومت کند و همه‌ی قوانین اساسی همانند دیگر دستاوردهای بشری الزاما تن به تحولات خواهند داد.^۱ ارزش بنیادین قانون اساسی و برتری آن نسبت به سایر قوانین و مقررات در سلسله‌مراتب قواعد حقوقی اقتضا دارد که همانند تدوین و تصویب متن نخستین قانون اساسی، بازنگری قانون اساسی را نیز قوه موسس^۲ بر عهده گیرد. این جایگاه قانون اساسی است که لزوم انجام بازنگری آن را با شیوه‌ای متفاوت با تصویب قانون عادی (اعمال قوهی مقننه) توجیه می‌نماید.

بازنگری قانون اساسی فرایندی در چارچوب مشخص است که به تغییر، الحاق و حذف قواعد مندرج در قانون اساسی منجر می‌شود.^۳ بررسی آیین بازنگری قوانین اساسی کشورها بر فرایندی ترتیبی جهت نیل به این مهم اشعار دارد. اولین مرحله برای تجدیدنظر در قوانین اساسی پیشنهاد بازنگری و طرح این مساله است که چه مرجعی دارای صلاحیت ابتکار بازنگری است. در برخی کشورها پس از ارائه‌ی پیشنهاد از سوی مرجع صلاحیت‌دار، بررسی پیشنهاد مزبور توسط مرجعی دیگر ضروری است. به عنوان نمونه در فرانسه علاوه بر نمایندگان مجلسین، رئیس جمهور دارای اختیار ابتکار بازنگری است اما اختیار وی منوط به دریافت پیشنهاد بازنگری از طرف نخست وزیر است و در دوره‌ای که این دو مقام از یک جناح سیاسی نباشند (دوران هم‌زیستی) نخست وزیر به ارائه‌ی پیشنهاد تجدیدنظر و رئیس جمهور به موافقت با آن الزامی ندارد.^۴ دومین مرحله برای

^۱. گرجی، علی‌اکبر، «بازنگری و نوسازی قانون اساسی: از جاودانگی تا تحول پذیری»، مهرنامه، شماره ۱۷، آذر ۱۳۹۰، ص ۹۴.

^۲. قوهی تدوین و تصویب متن اولیه‌ی قانون اساسی، قوهی موسس نخستین و قوهی تغییر و بازنگری در آن، قوهی موسس ثانوی است. نگاه کنید به: عباسی، بیژن، «تمایز میان قوهی موسس و قوای تاسیسی»، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۰۰.

^۳. عباسی، بیژن، «شیوه‌های بازنگری در قوانین اساسی»، فصلنامه حقوق - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۰۷.

^۴. همان، ص ۱۱۱.

تجدیدنظر قانون اساسی بررسی متن پیشنهادی بازنگری و تدوین نهایی آن است. در بسیاری از کشورها مانند فرانسه پارلمان به تدوین نهایی متن بازنگری می‌پردازد. برای دادن اعتباری بیشتر به بازنگری قانون اساسی، برخی نظام‌های سیاسی مرحله‌ی مکملی به نام تصویب تجدیدنظر را پیش‌بینی می‌کنند. نهایی شدن بازنگری قانون اساسی در فرانسه، جز در شرایط استثنایی، منوط به تصویب در همه‌پرسی است. در قوانین اساسی‌ای که این مرحله‌ی مکمل مقرر نشده است، تجدیدنظر پس از مرحله‌ی تدوین پایان یافته تلقی می‌شود و مراحل تدوین و تصویب یکی می‌گردد.^۱ باید افزود که جریان بازنگری قانون اساسی منحصر به تشریفات در فرایند آن نیست و همواره موانعی می‌توانند بازنگری قانون اساسی را با محدودیت مواجه نمایند. این محدودیت‌ها در قالب محدودیت موضوعی، محدودیت اوضاع و احوال و محدودیت زمانی^۲ بر فرایند بازنگری تحمیل می‌گردند.

اصل ۱۳۲ قانون اساسی پیشین جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸^۳ اشاره‌ای کوتاه به مسأله‌ی بازنگری قانون اساسی داشته است، اما آیین بازنگری در متن این قانون تعیین نشده بود. عدم تعریف آیین بازنگری در قانون اساسی ۱۳۵۸ را نباید ناشی از غفلت قانون‌گذار اساسی دانست زیرا اصل ۱۴۸ پیش‌نویس قانون اساسی آیین بازنگری را پیش‌بینی کرده بود اما در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی تصویب نشد.^۴ درونمایه‌ی بنیادین مذاکرات مجلس بررسی

^۱. همان، ص ۱۱۲.

^۲. غرض از محدودیت زمانی آن است که به منظور حفظ ثبات و تضمین استمرار قانون اساسی مصوب، این متن در مدت‌زمان معینی از هر گونه تغییر در امان باشد و پس از طی این مدت اجازه‌ی بازنگری داده شود. از مقبولیت این نوع محدودیت امروزه کاسته شده است زیرا در گذر تحولات جامعه است که لزوم بازنگری توجیه می‌گردد. مثلاً مطابق قانون اساسی مصوب ۱۷۹۱ فرانسه بازنگری قانون اساسی در سه دوره‌ی اول تقنینیه ممنوع بوده است یا قانون اساسی سال سوم تقویم انقلابی فرانسه ممنوعیت ۹ ساله برای بازنگری قانون اساسی تعیین کرده بود. با این حال این قواعد رعایت نشدند.

Jean Paul, Jacqué; Droit constitutionnel et institutions politiques, Paris, Dalloz, 8^e édition, 2010, p. 56.

^۳. اصل ۱۳۲ قانون اساسی ۱۳۵۸ مقرر می‌داشت: «در مدتی که وظایف رئیس‌جمهور بر عهده شورای موقت ریاست جمهوری است دولت را نمی‌توان استیضاح کرد یا به آن رای عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدید نظر در قانون اساسی اقدام نمود».

^۴. نگاه کنید به: صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، جلد سوم، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، آذر ماه ۱۳۶۴، صص ۱۷۳۵-۱۷۳۳.

نهایی قانون اساسی درباره‌ی اصل بازنگری نشان می‌دهد که مجلس خبرگان قانون اساسی، هم وجود چنین اصلی را قبول داشته و هم مایل نبوده است صراحتاً به آن اشاره‌ای کند.^۱ واضعین قانون اساسی سال ۱۳۵۸ مسالهی بازنگری در قانون اساسی را به ابهام گذراندند و یافتن یک شیوه‌ی قطعی و یقینی را به رخدادهای بعدی روزگار احاله دادند.^۲ با فراهم شدن زمینه‌ی بازنگری قانون اساسی در طول ده سال اجرای آن در سال ۱۳۶۸ و احتمال تکرار این امر در آینده، تصریح به آیین بازنگری در متن قانون اساسی ضرورت یافت. امام خمینی (ره) در نامه‌ی خویش خطاب به رئیس‌جمهور وقت در سال ۱۳۶۸ یکی از محورهای بازنگری قانون اساسی را بیان «راه بازنگری قانون اساسی» تعیین کرد که در نهایت به تصویب فصل چهاردهم قانون اساسی با عنوان «بازنگری در قانون اساسی» منجر گردید. این نوشتار بر اساس ترتیب مراحل بازنگری قانون اساسی یعنی ابتکار بازنگری، تدوین بازنگری و تصویب بازنگری تنظیم شده است. محدودیت‌های بازنگری نیز بررسی می‌شوند.

۱- ابتکار بازنگری

نخستین پرسشی که در خصوص ابتکار بازنگری مطرح است این است که چه مقامات یا نهادهایی صلاحیت تصمیم‌گیری برای آغاز فرایند بازنگری قانون اساسی را دارند؟ این صلاحیت در قانون اساسی برای مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است تا طی حکمی خطاب به رئیس‌جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی پیشنهاد نماید.

۱.۱- مقام رهبری آغازگر بازنگری

مطابق اصل ۱۷۷ قانون اساسی بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در موارد

^۱. خلیلی، محسن، بررسی تأثیر تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی بازنگری آن، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۵۲.

^۲. خلیلی، محسن، «نگاهی مقایسه‌ای به مسالهی بازنگری قانون اساسی مجلس خبرگان ۱۳۵۸ و شورای بازنگری ۱۳۶۸»، مجله متین، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۰، ص ۱۱۴.

ضروری انجام می‌شود. در این اصل با مقید شدن بازنگری قانون اساسی به موارد ضروری، بدون این که به معیارها و مصادیق تحقق این ضرورت اشاره شود، مقام رهبری به عنوان آغازگر فرایند بازنگری تعیین شده است. دلایل ذیل را می‌توان برای اعطای صلاحیت ابتکار بازنگری به رهبری ارائه کرد:

۱. در شورای بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸ نهادهای مختلفی برای عهده‌دار شدن ابتکار بازنگری پیشنهاد شدند اما در نهایت با توجه به اهمیت موضوع بازنگری قانون اساسی و بیشترین تناسب آن با رهبری و ولایت امر ابتکار بازنگری به این مقام واگذار شده است.^۱ قرار گرفتن ابتکار بازنگری قانون اساسی در اختیار مقام یا نهادهایی غیر از مقام رهبری می‌توانست حساسیت‌های بیشتری را در فضای سیاسی جامعه ایجاد نماید و نگرانی‌ها را درباره در خطر بودن ثبات و پایداری قانون اساسی و نظام سیاسی افزایش دهد.

۲. با توجه به تفکیک قوای سه‌گانه و اداره امور کشور توسط نهادهای مختلف هر یک از این نهادها در تشخیص ضرورت بازنگری قانون اساسی صالح می‌باشند اما با استناد به اصول مختلف قانون اساسی و نظارت و ولایت تامه‌ی رهبری بر تمام نهادهای سیاسی، اداری و قضایی جامعه در نهایت باید پذیرفت که مقام رهبری نسبت به سایرین شایسته‌تر در تشخیص این ضرورت است.^۲

۳. رویه‌ی معمول در بسیاری از نظام‌های سیاسی حاکی از قرار گرفتن ابتکار بازنگری قانون اساسی در اختیار عالی‌ترین مقام سیاسی کشور است. شناسایی ابتکار بازنگری قانون اساسی برای رهبری در جمهوری اسلامی ایران خلاف عرف معمول در سایر کشورها نیست زیرا مقام رهبری عالی‌ترین مقام رسمی کشور است.

۴. تجربه‌ی بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ را در تعیین رهبری به عنوان مقام دارای ابتکار بازنگری قانون اساسی نباید نادیده گرفت. هر چند در بازنگری سال ۱۳۶۸ اولین گام‌ها توسط برخی از مقامات عالی کشوری برداشته شد اما تاثیر شگرف امام خمینی (ره) در تحقق امر

^۱. نگاه کنید به: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹، صص ۷۹۵-۵۹۵.

^۲. هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، تهران: میزان، چاپ هفتم، زمستان ۱۳۸۵، ص ۶۴.

بازنگری قانون اساسی بر کسی پوشیده نیست. اعضای شورای بازنگری قانون اساسی در مقام تعیین آیین بازنگری بیشتر متأثر از رویه‌ی بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ بوده‌اند. لذا ابتکار بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر عهده‌ی مقام رهبری قرار گرفت که پس از مشورت رسمی با مجمع تشخیص مصلحت نظام موارد اصلاح یا تنمیم قانون اساسی را پیشنهاد می‌کند.

۱.۲- مجمع تشخیص مصلحت نظام تنها مرجع رسمی مشورت با رهبری

مقام رهبری موظف است مشورت مجمع تشخیص مصلحت نظام را به منظور پیشنهاد اصلاح یا تنمیم قانون اساسی به شورای بازنگری قانون اساسی اخذ نماید. در جریان مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی اختلاف‌نظرهایی در خصوص تعیین مجمع تشخیص مصلحت نظام و چگونگی ایفای نقش آن در امر بازنگری قانون اساسی مشاهده می‌شود. در این مذاکرات اعضای شورای بازنگری نظریات متنوعی برای تعیین مقام پیشنهاد دهنده یا مشورت دهنده به رهبری در مقام بازنگری قانون اساسی ارائه کردند. برخی از اعضا با تکیه بر روند آغازین بازنگری سال ۱۳۶۸، هر مقام حقیقی یا حقوقی را صالح برای ارائه‌ی پیشنهاد بازنگری قانون اساسی به رهبری می‌دانستند^۱ و برخی دیگر با عنایت به اهمیت نقش مجلس شورای اسلامی در مسائل نظام، تصویب پیشنهاد بازنگری توسط مجلس را ضروری می‌دانستند^۲. ارائه‌ی پیشنهاد بازنگری به رهبری از سوی سران و روسای قوای سه‌گانه نیز یکی دیگر از پیشنهادها مطرح شده بوده است^۳. با این حال عقیده‌ی غالب در شورای بازنگری این بود که بازنگری قانون اساسی از باب مصلحت نظام است و با تناسب حکم و موضوع، مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌تواند بهترین مقام پیشنهاد دهنده به رهبری باشد، ضمن این که اقتدار مقام رهبری هم نباید محدود شود^۴. لازم به ذکر است که در ابتدای در دستور جلسه قرار گرفتن شیوه بازنگری قانون اساسی هنوز تفکیک دقیقی بین نقش پیشنهاد دهنده یا مشورت دهنده مجمع تشخیص مصلحت نظام به رهبری در امر بازنگری صورت نگرفته بود. مجمع تشخیص مصلحت نظام در ابتدا به عنوان مقام پیشنهاد

^۱. نگاه کنید به: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، پیشین،

صص ۵۸۸-۵۸۷.

^۲. نگاه کنید به: همان، صص ۵۹۷-۵۹۶.

^۳. نگاه کنید به: همان، ص ۵۸۷.

^۴. نگاه کنید به: همان، صص ۸۱۸، ۸۲۲، ۸۲۳ و ۵۸۷.

دهنده بازنگری به رهبری مطرح گردید. برخی از اعضای شورای بازنگری قانون اساسی تعیین مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان مرجع پیشنهاد یا تصویب بازنگری را خلاف فرمان صریح امام خمینی (ره) مبنی بر تعیین نقش مشورتی برای مجمع می‌دانستند و با شناسایی پیشنهاد بازنگری برای مجمع تشخیص مصلحت نظام مخالفت نمودند.^۱ لذا نقش مشورتی مجمع تشخیص مصلحت نظام برای رهبری در مرحله‌ی ابتکار بازنگری قانون اساسی تصویب گردید تا این نهاد که متشکل از شخصیت‌های بانفوذ و بسیاری از مقامات پیشین و کنونی نظام سیاسی است یاری‌گر مقام رهبری در ابتکار بازنگری قانون اساسی باشد. مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌تواند در مقام مشاور رهبری درباره لزوم یا عدم لزوم بازنگری قانون اساسی و موارد اصلاح یا تنمیم قانون اساسی اظهار نظر نماید.^۲

اگرچه اخذ نظر و مشورت مجمع برای رهبری الزامی است اما این الزام با پذیرش نظر و مشورت مجمع توسط رهبری ملازمه ندارد و از اقتدار رهبری در ابتکار بازنگری نمی‌کاهد. از مدلول عبارت قانون اساسی برمی‌آید که نظر مجمع صرفاً مشورتی است و ابتکار بازنگری طبق قانون متعلق به مقام رهبری است.^۳ برخی از حقوق‌دانان^۴ ضمن اعطای هویتی مستقل به مجمع تشخیص مصلحت نظام در امر بازنگری، رد نظر مشورتی مجمع از سوی مقام رهبری را نیازمند ارائه‌ی دلایل کافی می‌دانند. برخی دیگر^۵ معتقدند مشورتی را که مقام رهبری از مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گیرد در ایشان نوعی الزام عقلایی به پذیرش ضرورت بازنگری و موارد آن پدید می‌آورد. در مقام ارزیابی باید گفت؛ این نظریات فاقد وجهت حقوقی می‌باشند زیرا قانون‌گذار اساسی فقط اخذ نظر مشورتی مجمع را بر مقام رهبری در مقام ابتکار بازنگری قانون اساسی تکلیف کرده است و ایشان برای پذیرش یا رد نظر مشورتی مجمع تشخیص مصلحت نظام با تکلیفی مواجه نیست.

^۱. نگاه کنید به: همان، ص ۶۱۱.

^۲. واعظی، سیدمجتبی، «ارزش حقوقی مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی»، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۸۴.

^۳. قاضی، ابوالفضل، گفتارهایی در حقوق عمومی، جلد اول، تهران: دادگستر، چاپ اول، مهر ۱۳۷۵، ص ۱۰۷.

^۴. واعظی، پیشین.

^۵. خلیلی، محسن، «نگاهی مقایسه‌ای به مساله بازنگری قانون اساسی مجلس خبرگان ۱۳۵۸ و شورای بازنگری ۱۳۶۸»، پیشین، صص ۱۲۵-۱۲۴.

مجمع تشخیص مصلحت نظام تنها مرجع رسمی است که باید طرف مشورت با مقام رهبری در امر بازنگری قانون اساسی قرار گیرد اما این مساله نمی‌تواند به معنای نفی دریافت یا ارائه‌ی پیشنهادها و نظریات سایرین اعم از متخصصین و افراد عادی باشد.^۱ مقام رهبری می‌تواند در مقام مبتکر بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از مشاوره‌ی حقوق‌دانان و سیاست‌مداران نیز استفاده کند. این سنت در کشورهایی مانند فرانسه کاملاً رایج است. در این راستا می‌توان کمیته‌ی ودل که در سال ۱۹۹۲ توسط رئیس‌جمهور فرانسوا میتران تشکیل گردید، کمیته‌ی آوریل که در سال ۲۰۰۲ توسط رئیس‌جمهور ژاک شیراک برپا شد و کمیته‌ی بالادور که در سال ۲۰۰۷ توسط رئیس‌جمهور نیکولا سارکوزی تشکیل شده را مثال زد. چنین رویکردی به وزانت بیشتر پیشنهادهای بازنگری منجر می‌شود و فرایند بازنگری را دارای بنیان‌های قوی‌تری می‌کند. به عبارت دیگر، پیشنهاد بازنگری قانون اساسی می‌تواند توسط هر شخص یا نهادی ارائه شود و مقام رهبری می‌تواند از مشاوره‌ی هر شخص یا نهادی بهره‌برد اما در نهایت این رهبر است که ابتکار بازنگری را پس از مشورت رسمی با مجمع تشخیص مصلحت نظام بر عهده می‌گیرد. مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی موید این نظریه است.^۲

۱.۳- نقش رئیس‌جمهور در بازنگری قانون اساسی

مخاطب حکم مقام رهبری در اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی رئیس‌جمهور است، اما وی در میان اعضای شورای بازنگری تقدم و برتری ندارد.^۳ قانون‌گذار اساسی مسئولیت اجرای تمام مراحل بازنگری قانون اساسی اعم از تشکیل شورای بازنگری، ابلاغ حکم رهبری به این شورا و قرار گرفتن در ترکیب آن، تقدیم مصوبات شورا به مقام رهبری و در نهایت امضای نتیجه‌ی همه‌پرسی را بر عهده‌ی رئیس‌جمهور قرار داده است. رئیس‌جمهور صرفاً مجری حکم

^۱ مدنی، سیدجلال‌الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پایدار، چاپ هفتم، بهار ۱۳۸۴، ص ۳۹۴. و خلیلی، «نگاهی مقایسه‌ای به مساله بازنگری قانون اساسی مجلس خبرگان ۱۳۵۸ و شورای بازنگری ۱۳۶۸»، پیشین، ص ۱۲۹.

^۲ آقای هاشمی رفسنجانی [نائب رئیس شورا] در این باره بیان می‌دارد: «پیشنهاد را هر کسی می‌تواند به رهبر بکند، آن حتی به تنهایی خودش هم می‌تواند به این فکر برسد». نگاه کنید به: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، پیشین، ص ۵۸۸.

^۳ خلیلی، محسن، «نگاهی مقایسه‌ای به مساله بازنگری قانون اساسی مجلس خبرگان ۱۳۵۸ و شورای بازنگری ۱۳۶۸»، پیشین، صص ۱۳۴-۱۳۳.

رهبری است و صلاحیت وی در امر بازنگری قانون اساسی تکلیفی است، زیرا وی نمی‌تواند از اجرای حکم رهبری امتناع کند. صلاحیت رئیس جمهور در امضای نتیجه‌ی همه‌پرسی اساسی نیز تکلیفی است زیرا مطابق اصل ۱۲۳ قانون اساسی رئیس جمهور موظف است نتیجه‌ی همه‌پرسی را پس از ابلاغ به وی امضا نماید و برای اجرا در اختیار مسئولان قرار دهد. البته از اصل ۱۳۲ قانون اساسی می‌توان جایگاه مهم‌تری برای رئیس جمهور در امر بازنگری قانون اساسی استنباط کرد. مطابق این اصل «در مدتی که اختیارات و مسئولیت‌های رئیس جمهور بر عهده‌ی معاون اول یا فرد دیگری است که به موجب اصل یکصد و سی یکم منصوب می‌گردد، وزرا را نمی‌توان استیضاح کرد یا به آنان رای عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدیدنظر در قانون اساسی و یا همه‌پرسی اقدام نمود». لذا تجدیدنظر در قانون اساسی منوط به تصدی سمت ریاست جمهوری توسط رئیس جمهور منتخب مستقیم مردم است، زیرا در زمان کفالت ریاست جمهوری یعنی تصدی سمت ریاست جمهوری توسط کفیل منصوب رهبری بازنگری در قانون اساسی امکان‌پذیر نیست. به هر رو در فرایند بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شورای بازنگری وظیفه‌ی تدوین متن بازنگری را عهده‌دار خواهد بود. کار این شورا محدود به همان مواردی است که در پیشنهاد مقام رهبری گنجانیده شده است.^۱

۲- تدوین بازنگری

برپایی شورای بازنگری قانون اساسی با ساختار کنونی و ویژگی‌های اعضای شورای بازنگری از زوایای مختلف در این مبحث بررسی می‌شوند.

۲.۱- برپایی شورای بازنگری قانون اساسی

در خصوص ترکیب شورای بازنگری قانون اساسی پیشنهادهای متنوعی در شورای بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸ مطرح شد. برخی از اعضای شورای بازنگری پیشنهاد کردند که تمام اعضای شورا توسط مقام رهبری تعیین شوند که این پیشنهاد تصویب نشد.^۲ یکی دیگر از پیشنهادها این بود که اعضای شورای بازنگری جمعیتی خاص مثلاً متشکل از شورای نگهبان و

^۱. قاضی، همان، ص ۱۰۸.

^۲. نگاه کنید به: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، پیشین، ص ۷۹۵.

مجمع تشخیص مصلحت نظام و سران سه قوه و چند نفر به انتخاب رهبر باشند.^۱ برخی دیگر از اعضای شورا پیشنهاد نمودند که اکثریت اعضا یا تمام اعضای شورای بازنگری قانون اساسی را به صورت مستقیم مردم انتخاب کنند. این شیوهی انتخاب، دموکراسی و حاکمیت مردم را بهتر تضمین و تأمین می‌کرد اما با این ایراد مواجه شد که دو مرتبه به پای صندوق کشیدن مردم آن هم به فاصله‌ی زمانی کوتاه متعارف نیست و فاقد وجهت کافی است.^۲ به علاوه، این ایراد مطرح گردید که واگذاری تعیین اعضای شورا به انتخاب مردم ممکن است آینده‌ی نظام را با خطر روبه‌رو کند؛ یعنی افرادی وارد شورا شوند که صلاحیت کافی برای این کار را نداشته باشند، مردم در تشخیص اشتباه کنند، اصول قانون اساسی تغییر کند و نظام از مسیر اصلی خود منحرف شود.^۳ در نهایت ترکیب شورای بازنگری با محوریت این پیشنهاد تنظیم شد که اعضای شورای بازنگری جمعیتی از همه‌ی نهادها و گروه‌های مهم کشور باشند.^۴ لذا ترکیب اعضای شورای بازنگری قانون اساسی به شرح زیر مقرر گردید: ۱. اعضای شورای نگهبان، ۲. روسای قوای سه‌گانه، ۳. اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۴. پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۵. ده نفر به انتخاب مقام رهبری، ۶. سه نفر از هیات وزیران، ۷. سه نفر از قوه‌ی قضاییه،^۵ ۸. ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ۹. سه نفر از دانشگاهیان. دانشگاهیان لزوماً اساتید دانشگاه‌ها نیستند بلکه می‌تواند مدیران، کارکنان و حتی دانشجویان را در بر گیرد.^۶ هیچ یک از پیشنهادهای رهبری در خصوص اصلاح یا متمیم قانون اساسی بدون تأیید شورای بازنگری نمی‌توانند به عنوان موضوع بازنگری به همه‌پرسی گذاشته شوند.^۷

^۱. نگاه کنید به: همان، ص ۷۸۳.

^۲. نگاه کنید به: همان، صص ۷۸۳ - ۷۸۴ و ۷۹۷ - ۷۹۵.

^۳. نگاه کنید به: همان، ص ۷۹۹.

^۴. نگاه کنید به: همان، ص ۷۹۷.

^۵. در شورای بازنگری قانون اساسی تصریح گردید که این سه نفر می‌توانند از میان قضات یا غیر قضات و یا از بین حقوق‌دانان یا غیر حقوق‌دانان قوه‌ی قضاییه انتخاب شوند. نگاه کنید به: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، جلد سوم، پیشین، صص ۱۶۸۳-۱۶۸۲.

^۶. مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی حاکی است که نظر بسیاری از اعضای شورا بر انتخاب دانشگاهیان توسط روسای دانشگاه‌ها بوده است. با وجود این، تعیین تکلیف این موضوع مانند بسیاری از موضوعات مربوط به بازنگری قانون اساسی به قانون عادی مصوب مجلس شورای اسلامی واگذار گردید. نگاه کنید به: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، جلد سوم، پیشین، صص ۱۶۸۴-۱۶۸۳.

^۷. واعظی، پیشین، ص ۱۸۵.

۲.۲- ویژگی‌های شورای بازنگری قانون اساسی

در مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی بر لزوم لحاظ ویژگی‌های تخصصی بودن، اسلامی بودن و مردمی بودن ترکیب شورای بازنگری تأکید شده است. بنابراین، ترکیب شورای بازنگری با عنایت به این ویژگی‌ها و همچنین مباحث مربوط به تداخل اعضا بررسی می‌شوند.

۲.۲.۱- اعضای شورای بازنگری از منظر تخصصی بودن

ماهیت قانون اساسی همواره این انتظار درست را به همراه می‌آورد که بازنگری قانون اساسی در صلاحیت متخصصین باشد تا هرچه بیشتر اهمیت و تفوق این هنجار حقوقی تضمین گردد. اکثر افراد پیش‌بینی شده در ترکیب شورای بازنگری از مقامات و مسئولین نهادهای مهم کشور و مجریان اصلی قانون اساسی می‌باشند که به صورت مستقیم با اصول قانون اساسی ارتباط دارند. این افراد از مناسب‌ترین اشخاص برای تشخیص کاستی‌های قانون اساسی و تعیین راه‌کارهای رفع آن‌ها می‌باشند. جهت تخصصی‌تر کردن ترکیب شورای بازنگری قانون اساسی، پیشنهادی مبنی بر حضور متخصصین حقوق عمومی و حقوق اساسی مطرح گردید به این صورت که تعداد دانشگاهیان شورای بازنگری قانون اساسی از ۳ نفر به ۵ نفر افزایش یابد با این قید که حتماً ۳ نفر آن‌ها متخصص حقوق عمومی و حقوق اساسی باشند، اما این پیشنهاد با این ایراد مواجه گردید که تعیین تخصص اعضا یک کار تقریباً آیین‌نامه‌ای است و لذا تصویب نشد.^۱ تصویب حضور متخصصان حقوق عمومی و حقوق اساسی در شورای بازنگری قانون اساسی می‌توانست ویژگی تخصصی شورای بازنگری را در مقام تدوین متن جدید اساسی تقویت نماید زیرا این دسته از حقوق‌دانان به دلیل اشراف بر قانون اساسی از کاستی‌های ماهوی و شکلی آن آگاه می‌باشند و معمولاً پیشنهادهایی برای رفع آن‌ها دارند. ماهیت اسلامی نظام جمهوری و محتوای اسلامی اصول قانون اساسی ضرورت اعطای جایگاهی ویژه به کارشناسان اسلامی را در ترکیب شورای بازنگری قانون اساسی توجیه می‌کند.

^۱ نگاه کنید به: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، پیشین، صص ۵۹۳-۵۹۴، ص ۷۸۶ و صص ۸۱۷-۸۱۸.

۲.۲.۲- اعضای شورای بازنگری از منظر اسلامی بودن

یکی از پیشنهادهای مطروحه در مذاکرات شورای بازنگری این بود که اکثریت اعضایی که برای بازنگری تعیین می‌شوند باید کارشناسان اسلامی باشند تا محتوای اسلامی اصولی که تغییر می‌کند همیشه محفوظ بماند.^۱ اعضای مخالف این پیشنهاد در شورای بازنگری نگرشی تک‌بعدی به قانون اساسی و رعایت این همه احتیاط را قابل توجیه نمی‌دانستند.^۲ یقیناً دغدغه‌ی حضور فقها و کارشناسان اسلامی در ترکیب شورای بازنگری قانون اساسی قابل درک است اما اشتراط چنین تخصصی برای اکثریت اعضای شورای بازنگری فاقد وجاهت کافی است. ترکیب شورای بازنگری قانون اساسی با اکثریت فقها و روحانیون می‌تواند از جامع‌نگری کلیت شورای بازنگری نسبت به سایر موضوعات اساسی بکاهد. با عنایت به نکات مذکور، حداقل ۱۲ نفر از اعضای شورای بازنگری قانون اساسی یعنی ۶ نفر از فقه‌های شورای نگهبان، ۵ نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری و رئیس قوه‌ی قضاییه از میان فقها تعیین شدند. به علاوه، احتمال حضور بیش از ۱۲ فقیه در ترکیب شورای بازنگری قانون اساسی خصوصاً در قالب ۱۰ نفر عضو منتخب رهبری زیاد است. تجربه‌ی بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ موید این نکته است که احتمالاً بسیاری از منصوبین رهبری در شورای بازنگری قانون اساسی را روحانیون تشکیل خواهند داد، زیرا از ۲۰ نفر منصوب امام خمینی (ره) در شورای بازنگری قانون اساسی فقط ۲ نفر از روحانیون نبوده‌اند.^۳ ترکیب شورای بازنگری قانون اساسی باید به گونه‌ای تنظیم شود که از نظر مردمی بودن نیز قابل توجیه باشد.

۲.۲.۳- اعضای شورای بازنگری از منظر مردمی بودن

در نظام‌های مبتنی بر دموکراسی و حاکمیت ملی قوه‌ی موسس مردم می‌باشند که معمولاً به وسیله‌ی نمایندگان خویش اعمال حاکمیت می‌کنند. مطابق این اندیشه نهاد متصدی بازنگری

^۱ نگاه کنید به: همان، ص ۶۰۱، ص ۷۹۳ و صص ۸۲۳-۸۲۴.

^۲ نگاه کنید به: همان، صص ۸۲۵-۸۲۴.

^۳ در خصوص ترکیب شورای بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸ نگاه کنید به: راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۳، صص ۱۵۰-۱۱۷.

قانون اساسی هم باید برخاسته از اراده‌ی مردمی و منعکس‌کننده‌ی افکار عمومی باشد. لذا اعطای جایگاهی ویژه به مردم و نمایندگان آنان در شورای بازنگری قانون اساسی ضروری است. به رغم تمام دغدغه‌هایی که به منظور مردمی بودن ترکیب شورای بازنگری قانون اساسی در زمان تدوین اصل ۱۷۷ قانون اساسی وجود داشته، این هدف به صورت مناسب تأمین نشده است. با توجه به متغیر بودن شمار اعضای شورای بازنگری در اثر نامعین بودن تعداد اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام، می‌توان حدوداً مجموعه‌ای ۷۰ نفره را برای عضویت در این شورا تخمین زد. از بین این مجموعه تنها ۱۷ عضو (رئیس‌جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، ۱۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ۵ نفر از نمایندگان مجلس خبرگان رهبری) از متخبان مستقیم مردم می‌باشند. لذا نقش و جایگاه مردم در ترکیب شورای بازنگری کم‌تر محسوس است^۱ و این اقلیت نمی‌تواند تضمینی بر دموکراتیک جلوه دادن ترکیب شورای بازنگری باشد^۲. ترکیب شورای بازنگری را زمانی می‌توان دموکراتیک دانست که اکثریت آنان از پشتوانه‌ی مردمی برخوردار باشند. اعضای شورای بازنگری قانون اساسی به گونه‌ای تعریف شده‌اند که امکان عضویت یک فرد با عناوین مختلف در آن فراهم است.

۲.۲.۴- شورای بازنگری قانون اساسی از منظر تداخل اعضا

یکی از مباحث مطروحه در شورای بازنگری سال ۱۳۶۸ در خصوص ترکیب شورای بازنگری قانون اساسی این بوده است که باید درباره وضعیت افرادی که می‌توانند با عناوین مختلف مثلاً به عنوان عضو شورای نگهبان و عضو ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام در عضویت شورای بازنگری قرار گیرند تعیین تکلیف شود^۳. به عبارت دیگر، نظر برخی از اعضای شورای بازنگری این بود که تصریح گردد آیا یک فرد می‌تواند با عناوین مختلف در شورا حضور یابد یا خیر؟ البته به این مساله توجه شایسته‌ای نشد، زیرا مخالفان تصریح به این نکته در متن اساسی معتقد بودند که یقیناً در هنگام انتخاب افراد این قضیه لحاظ خواهد شد که یک فرد با عناوین مختلف به

^۱. خلیلی، محسن، «نگاهی مقایسه‌ای به مساله بازنگری قانون اساسی مجلس خبرگان ۱۳۵۸ و شورای بازنگری ۱۳۶۸»، پیشین، ص ۱۳۴.

^۲. امید، محمدرضا، «بررسی ظرافت‌های اصل ۱۷۷ قانون اساسی»، نشریه شرق، ۱۳۸۴/۴/۲.

^۳. نگاه کنید به: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی ایران، جلد دوم، پیشین، ص ص ۸۱۶-۸۱۷.

عضویت شورا در نیاید. حضور یک فرد با عناوین متعدد در شورای بازنگری قانون اساسی به معنای برخورداری وی از دو رای در جلسات شورا نیست^۱ زیرا از یک سوی اعطای دو رای به یک فرد نیازمند دلیل است و از دیگر سوی در سایر نهادهای مشابه مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام افراد با عناوین متعدد دارای یک رای می‌باشند. در هر صورت به نظر می‌رسد قانون عادی ذیل اصل ۱۷۷ قانون اساسی باید در این خصوص تعیین تکلیف نماید زیرا شیوهی کار و کیفیت انتخاب و شرایط شورای بازنگری را آن قانون تعیین می‌کند. احتیاط محوری در رویکرد تدوین‌کنندگان این اصل سبب شد که صرفاً پاره‌ای از اجزای فرایند بازنگری، آن‌هم به صورت کلی پردازش شود^۲، بنابراین تا زمانی که قانون مذکور در ذیل اصل ۱۷۷ قانون اساسی تصویب نشود این اصل محملی برای اجرا نخواهد داشت. صلاحیت مجلس شورای اسلامی در وضع این قانون تکلیفی است، اما در این زمینه هیچ ضمانت اجرایی در قانون اساسی مقرر نشده است^۳.

۳- تصویب بازنگری

مصوبه شورای بازنگری قانون اساسی به منظور لازم‌الاجرا شدن باید به ترتیب به تأیید رهبری و تصویب مردم از طریق همه‌پرسی برسد. لذا قوه‌ی بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمیزه‌ای از مظاهر ولایت فقیه و اراده عام است^۴.

۳.۱- تأیید رهبری

مصوبات شورای بازنگری قانون اساسی پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آرای عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد. اولین نکته‌ای که در این خصوص محل تامل است استفاده از واژگان «تأیید» و «امضا» در متن اصل ۱۷۷ قانون

^۱. ورعی، سیدجواد، مبانی و مستندات قانون اساسی به روایت قانونگذار، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳۰.

^۲. تیلا، پروانه، «تحلیل چارچوب نظری بازنگری در قانون اساسی»، نشریه حقوق اساسی، سال سوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۴، ص ۵۷.

^۳. هاشمی، پیشین، جلد دوم، ص ۱۳۳.

^۴. قاضی، پیشین، ص ۱۰۹.

اساسی است که یقیناً ناشی از غفلت قانون‌گذار نیست. ذکر دو واژه «تایید» و «امضا» در اصل ۱۷۷ قانون اساسی به این هدف است که هر گونه شبهه‌ای مبنی بر تشریفاتی بودن امضای رهبری را از بین ببرد.^۱ رهبر برای عدم پذیرش مصوبه‌ی شورای بازنگری با هیچ‌گونه محدودیتی مواجه نیست و می‌تواند با اظهار عدم موافقت خویش از ادامه‌ی فرایند بازنگری جلوگیری نماید. البته رهبری نمی‌تواند در مصوبات شورای بازنگری راساً تغییر ایجاد کند بلکه متن مصوب شورای بازنگری را می‌تواند به منظور تأمین نظر خویش به شورا عودت دهد تا بر اساس نظر وی تدوین گردد.^۲

بسیاری از اعضای شورای بازنگری یعنی فقهای شورای نگهبان، رئیس قوه‌ی قضاییه، اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام و ۱۰ نفر منتخب مقام رهبری منصوبین مستقیم رهبر می‌باشند که نقطه‌نظرات و دغدغه‌های رهبری را در فرایند بازنگری نمایندگی می‌نمایند. با لحاظ نقش برجسته‌ی رهبری در تعیین بسیاری از اعضای شورای بازنگری، این پرسش مطرح می‌گردد که آیا پیش‌بینی تأیید و امضای مصوبات شورای بازنگری توسط رهبری لازم بوده است؟ در این که منصوبین مستقیم رهبر عقایدی هم‌سو با مشی فکری وی خواهند داشت تردیدی نیست. به دلیل شمار بالای این افراد در شورای بازنگری قانون اساسی امکان تأثیرگذاری آنان بر سایر اعضای شورای بازنگری نیز زیاد است. با وجود این، تأیید و امضای مصوبات شورای بازنگری توسط مقام رهبری سبب می‌شود تا اطمینان بیشتری نسبت به عملکرد شورا در چارچوب مورد نظر رهبری به دست آید.^۳ نظارت رهبری بر مصوبات شورای بازنگری در چارچوب صیانت از اسلامی بودن نظام (عدم انحراف نظام از وظایف اصیل اسلامی)، حدود موضوعی بازنگری قانون اساسی^۴ و حدود مقرر توسط رهبری برای شورای بازنگری جهت اصلاح

^۱ نجفی اسفاد، مرتضی و محسنی، فرید، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: الهمدی، چاپ چهارم، ۱۳۸۶، ص ۴۴۲.

^۲ نگاه کنید به: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی ایران، جلد دوم، پیشین، صص ۵۸۹ و ۵۹۵.

^۳ واعظی، پیشین، ص ۱۸۵.

^۴ رعایت حدود بازنگری بر ابتکار بازنگری رهبر هم تحمیل می‌شود و ابتکار رهبر نمی‌تواند حاوی مطالبی باشد که در نهایت به نقض حدود بازنگری قانون اساسی منجر شود حال آن که هیچ مقامی جهت نظارت بر این ابتکار تعیین نشده است و مقام رهبری با توجه به کلی بودن و عدم شفافیت برخی از محدودیت‌های بازنگری امکان تجاوز از این حدود را پیدا می‌کند. در آلمان فدرال قانون بازنگری قانون اساسی می‌تواند موضوع نظارت بر اساسی بودن توسط دیوان قانون اساسی فدرال قرار گیرد.

یا تتمیم قانون اساسی نیز قابل توجیه است. مصوبه‌ی شورای بازنگری قانون اساسی بدون تأیید و امضای رهبری قابل ارجاع به همه‌پرسی نیست.

۳.۲- ارجاع به همه‌پرسی

یکی از مظاهر دموکراتیک جلوه دادن شیوه‌ی بازنگری قانون اساسی در نظام‌های سیاسی تصویب نهایی متن بازنگری از طریق مراجعه به آرای عمومی است. لذا همه‌پرسی به عنوان آخرین مرحله‌ی فرایند بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین شده است. تعیین همه‌پرسی به منظور تصویب نهایی متن بازنگری ظاهراً با ترکیب شورای بازنگری قانون اساسی و نقش کمرنگ نمایندگان مردم در شورای بازنگری مرتبط است.^۱ اعطای سرنوشت بازنگری به مردم به گونه‌ای که آنان تصویب‌کننده‌ی نهایی بازنگری باشند نکته‌ی مثبتی است، اما با این ایراد مواجه است که نهایت دخالت مردم در این حوزه اظهارنظر درباره کلیت مصوباتی است که توسط شورای بازنگری قانون اساسی تدوین و توسط رهبری تأیید و امضا شده است. در این میان فقط بلوغ فکری و رشد سیاسی مردم است که می‌تواند به این همه‌پرسی اصالت و در نتیجه به قانون اساسی حقانیت اعطا نماید.^۲ مصوبه‌ی شورای بازنگری قانون اساسی که توسط رهبری امضا و تأیید شده است در معرض نظر ملت قرار نخواهد گرفت مگر زمانی که رهبری فرمان همه‌پرسی را به استناد بند ۳ اصل ۱۱۰ قانون اساسی صادر نماید. صدور فرمان همه‌پرسی توسط رهبری ضروری است زیرا اطلاق فرمان همه‌پرسی در زمره‌ی اختیارات و وظایف رهبری شامل هر نوع همه‌پرسی اعم از قانون عادی و اساسی می‌شود.^۳ مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی نیز موید ضرورت صدور فرمان همه‌پرسی توسط رهبری به منظور واگذاری متن مصوب شورای بازنگری به همه‌پرسی است.^۴ مصوبه‌ی شورای بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸ طی فرمان

^۱ مخبر کمیسیون مربوطه [آقای امامی کاشانی] در این باره اظهار می‌دارد: «آرا عمومی را هم به این اعتبار فکر کردیم باشد که چون آن جمعی که برای نوشتن و تغییر و اصلاح قانون اساسی هستند این‌ها جمعی نیستند که به این مناسبت مردم آن‌ها را انتخاب کنند... به نظر رسید که قوت قانون اساسی و تغییر قانون اساسی به این است که به فراندوم و به همه‌پرسی گذاشته بشود». نگاه کنید به: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری، جلد دوم، پیشین، ص ۵۸۹.

^۲ هاشمی، پیشین، جلد اول، ص ۶۷.

^۳ مهرپور، حسین، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دادگستر، ۱۳۸۷، ص ۱۳۰.

^۴ نگاه کنید به: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، جلد سوم، پیشین، صص ۱۶۸۹-۱۶۸۷.

مورخ ۱۳۶۸/۴/۲۸ مقام رهبری و رئیس جمهور وقت به منظور واگذاری به همه‌پرسی به دولت وقت ابلاغ گردید.^۱ ضرورت صدور فرمان همه‌پرسی از سوی مقامی که ایفاکننده نقش اصلی در روند بازنگری است و بر تمام مراحل بازنگری قانون اساسی نظارت کامل دارد خیلی قابل درک نیست.

ذکر این نکته که رعایت ذیل اصل ۵۹ قانون اساسی یعنی تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مورد همه‌پرسی بازنگری قانون اساسی لازم نیست به منظور رفع ابهام موجود بین اعضای شورای بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸ بوده است.^۲ آیت‌الله عباسعلی عمید زنجانی منشا این ابهام را این گونه بیان کرده است: «اگر به اصل پنجاه و نهم دقت بشود اصل پنجاه و نهم می‌گوید قوه‌ی مقننه وقتی خواست از طریق همه‌پرسی اعمال حق قانون‌گذاری بکند، حق قانون‌گذاری به طور مطلق است... اعم از قانون اساسی، اعم از قانون عادی، چون در بسیاری از کشورها قانون اساسی هم به وسیله‌ی مجلس تصویب می‌شود... ولو این که ما اعتقاد به این نداریم ولی اصل پنجاه و نهم تاب این را دارد. آن‌هایی که الان استناد می‌کنند می‌گویند باید نتیجه‌ی بازنگری به امضای دوسوم برسد آن‌ها هم به خاطر همین استظهاری است که از اصل می‌کنند».^۳ این استظهار فاقد وجهت حقوقی بوده است زیرا همه‌پرسی ذیل اصل ۱۷۷ قانون اساسی همه‌پرسی اساسی (اعمال قوه‌ی موسس) است حال آن که همه‌پرسی اصل ۵۹ قانون اساسی همه‌پرسی تقنینی (اعمال قوه‌ی مقننه) است و اصولاً بین این دو نوع همه‌پرسی تفاوت‌های آشکاری وجود دارد.^۴

نتیجه همه‌پرسی زمانی اعتبار قانونی می‌یابد که اکثریت مطلق یعنی نظر مثبت بیش از نصف

^۱. نگاه کنید به: مدنی، پیشین، ص ۳۹۴.

^۲. نگاه کنید به: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، جلد سوم، پیشین، صص ۱۶۸۵-۱۶۹۰.

^۳. صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، جلد سوم، پیشین، ص ۱۶۸۷.

^۴. در همه‌پرسی تقنینی، علاوه بر محدودیت‌های قانون اساسی و شرعی ممنوعیت‌های دیگری از جمله عدم امکان ارجاع امور به همه‌پرسی خارج از چارچوب وظایف و اختیارات قوه‌ی مقننه مطرح می‌باشد در حالی که در همه‌پرسی بازنگری قانون اساسی تنها محدودیت‌های موضوعی و اوضاع و احوال بازنگری قانون اساسی و موازین شرعی مطرح می‌باشند. همچنین همه‌پرسی تقنینی بدون دخالت ابتدایی مقام رهبری انجام می‌پذیرد حال آن که همه‌پرسی اساسی تنها با ارجاع مستقیم رهبری امکان‌پذیر است. در همه‌پرسی تقنینی نظارت اساسی و شرعی شورای نگهبان با توجه به مصوبه مجلس بودن موضوع همه‌پرسی اعمال می‌شود در حالی که در همه‌پرسی اساسی، شورای نگهبان در حد نظارت موضوع اصل ۹۹ قانون اساسی یعنی به عنوان مقام متصدی صیانت از آرای عمومی دخالت دارد. نگاه کنید به: کردان، علی، منشور ملی ایرانیان و همه‌پرسی، تهران: سروش، ۱۳۸۲، صص ۱۳۴-۱۳۳.

آرای شرکت کنندگان در همه‌پرسی را کسب کند. پس از تصویب نهایی متن بازنگری قانون اساسی در همه‌پرسی، رئیس جمهور موظف است نتیجه همه‌پرسی را امضا نماید تا در روزنامه رسمی کشور منتشر شود. قانون‌گذار اساسی محدودیت‌های موضوعی و اوضاع و احوال را برای قوه‌ی بازنگری قانون اساسی تعیین کرده است. منطق حقوقی و دموکراتیک حکم می‌کند که در پیش‌بینی محدودیت‌های بازنگری قانون اساسی رفتار حداقلی پیشه کرد.^۱

۴- محدودیت‌های بازنگری

محدودیت‌های بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از دو منظر، محدودیت موضوعی و محدودیت اوضاع و احوال، قابل بررسی می‌باشند.

۴.۱- محدودیت موضوعی

در هر قانون اساسی یک‌سری از بنیادی‌ترین اصل‌ها غیر قابل بازنگری محسوب می‌شوند تا از نظام ارزشی جامعه به طرز قانون‌مندانه نگاهبانی شود.^۲ بازنگری قانون اساسی به بهانه‌ی نوسازی آن نباید به حذف اهداف و ارزش‌های اصلی نظام سیاسی منجر شود. تداوم و بقای نظام سیاسی حاکم ایجاب می‌نماید که اهداف و ارزش‌های اصلی آن از هر گونه تغییر مصون بمانند. محدودیت‌های موضوعی مقرر در آیین بازنگری قوانین اساسی کشورها در راستای پاسخ‌گویی به این دغدغه می‌باشند. مثلاً مطابق ماده ۸۹ قانون اساسی فرانسه، شکل جمهوری دولت قابل بازنگری نیست یا مطابق ماده ۱۴۹ قانون اساسی افغانستان اصل پیروی از احکام دین مقدس اسلام و نظام جمهوری اسلامی تعدیل (بازنگری) نمی‌شوند. همچنین بازنگری حقوق اساسی اتباع افغانستان صرفاً به منظور بهبود آنان مجاز است. مطابق بند ۳ ماده ۷۹ قانون اساسی آلمان فدرال نیز حقوق و آزادی‌های بنیادین مندرج در مواد ۱ تا ۲۰ قانون اساسی و فدرالیسم قابل بازنگری نمی‌باشند. در ذیل اصل ۱۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به محدودیت‌های

^۱. گرجی، پیشین، ص ۹۶.

^۲. خلیلی، محسن، «نگاهی مقایسه‌ای به مساله بازنگری قانون اساسی مجلس خبرگان ۱۳۵۸ و شورای بازنگری ۱۳۶۸»، پیشین، ص ۱۳۵.

موضوعی بازنگری قانون اساسی اشاره شده است.^۱ محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره‌ی امور کشور با اتکا به آرای عمومی و دین و مذهب رسمی ایران^۲ تغییرناپذیر است. حفظ چارچوب و محتوای اسلامی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دغدغه‌ی اصلی قانون‌گذار اساسی در تعیین این محدودیت‌ها بوده است.^۳ کلی بودن برخی از این موارد مانند محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران این توانایی را ایجاد می‌کند که دایره‌ی گسترده‌ای از قواعد مندرج در قانون اساسی غیر قابل بازنگری باشند. محتوای آن دسته از اصول قانون اساسی که دربرگیرنده‌ی این مضامین نیستند قابل تجدیدنظر می‌باشند.^۴ لذا قواعد مربوط به کیفیت بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توانند در بازنگری احتمالی قانون اساسی دست‌خوش تغییر قرار گیرند. عدم تصریح به تغییرناپذیر بودن اصل ۱۷۷ قانون اساسی می‌تواند به تغییر محدودیت‌های بازنگری قانون اساسی توسط قوه‌ی بازنگری قانون اساسی نیز منجر گردد. به این ترتیب که قواعد مندرج درباره محدودیت‌های بازنگری قانون اساسی ابتدا تجدیدنظر شوند تا زمینه‌ی تجدیدنظر پسینی در هسته‌ی نفوذناپذیر قانون اساسی فراهم گردد.^۵ ارزش حقوقی

^۱ طرح محدودیت‌های موضوعی بازنگری قانون اساسی به صورت محتوایی به این دلیل است که اگر از اصول مختلف قانون اساسی نام برده می‌شد احتمال می‌رفت که از ذکر برخی اصول با چنین محتوایی غفلت شود و در نتیجه محتوای بعضی از اصول حاوی این مضامین قابل تغییر گردند.

^۲ مطابق اصل ۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دین رسمی، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی‌الابد غیر قابل تغییر است.

^۳ نگاه کنید به: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، جلد دوم، پیشین، ص ۷۸۲ و صص ۸۱۰-۸۰۴.
^۴ البته موضوعات دیگری مانند حقوق اساسی و آزادی‌های مردم و طول دوره ریاست جمهوری هم پیشنهاد شده بودند که به عنوان اصول غیر قابل تغییر شناسایی شوند که با استقبال شورای بازنگری مواجه نشدند. نگاه کنید به: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، جلد دوم، پیشین، ص ۶۰۰.

^۵ لویی، فاورو، و ودل ژرژ، «اصول فراقانون اساسی و حاکمیت ملی»، ترجمه علی‌اکبر گرجی، نشریه حقوق اساسی، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۲، ص ۲۷۰ و

Bernard, Chantebout, Droit constitutionnel, Paris, Armand Colin, 20^e édition, 2003, p. 35. et Pierre, Pactet, Institutions politiques Droit constitutionnel, Paris, Armand Colin, 21^e édition, 2002, pp. 566 – 567.

ممنوعیت‌های بازنگری قانون اساسی با این استدلال که نویسندگان قانون اساسی اولیه نباید تمایلات خویش را بر نسل‌های بعدی تحمیل نمایند مورد ایراد قرار می‌گیرد.^۱ راه کار تغییر پیشینی ممنوعیت‌های بازنگری و تجدیدنظر پسینی در هسته‌ی تغییرناپذیر اولیه قانون اساسی می‌تواند این ایراد را کم‌رنگ کند. اهمیت بازنگری قانون اساسی ایجاب می‌نماید که در برخی شرایط خاص این مهم تحقق نیابد.

۴.۲- محدودیت اوضاع و احوال

اهمیت تجدیدنظر در قانون اساسی اقتضا می‌کند که بازنگری قانون اساسی در فضایی آرام و به دور از هیجانات و التهابات سیاسی و اجتماعی انجام گیرد. مطابق ماده ۱۴۶ قانون اساسی افغانستان در حالت اضطرار^۲، قانون اساسی بازنگری نمی‌شود. به علاوه، در ماده ۶۷ این قانون اساسی بازنگری قانون اساسی از ممنوعیت‌های کفیل ریاست جمهوری است. بند ۱۱ ماده ۷ قانون اساسی فرانسه نیز اجرای ماده ۸۹ قانون اساسی یعنی بازنگری قانون اساسی را در دوره‌ی غیاب ریاست جمهوری یا در دوره‌ی زمانی بین اعلام ویژگی قطعی مانعیت رئیس جمهور و انتخاب جانشین وی ممنوع می‌کند.^۳ به علاوه، ماده ۸۹ قانون اساسی فرانسه آغاز یا ادامه بازنگری قانون اساسی را در صورت تعرض به تمامیت سرزمینی (اشغال نظامی) کشور ممنوع می‌داند. شورای قانون اساسی فرانسه در تصمیم مورخ ۲ سپتامبر ۱۹۹۲ دوره‌ی اجرای ماده ۱۶ قانون اساسی توسط رئیس جمهور^۴ را نیز از دوره‌های غیر قابل بازنگری بودن قانون اساسی

^۱. Pierre, Pactet, op.cit., p. 76.

^۲. مطابق ماه ۱۴۳ قانون اساسی افغانستان «هرگاه به علت جنگ، خطر جنگ، اغتشاش وخیم، آفات طبیعی و یا حالت مماثل، حفظ استقلال و حیات ملی از مجرای که در قانون اساسی تعیین شده ناممکن گردد، حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور با تایید شورای ملی در تمام یا بعضی از ساحات کشور اعلام می‌شود. هرگاه حالت اضطرار بیش از دو ماه دوام نماید، برای تمدید آن موافقت شورای ملی شرط است».

^۳. نگاه کنید به: تقی‌زاده، جواد، «تصدی کفالت ریاست جمهوری در حقوق ایران با نگاهی به حقوق فرانسه»، نامه حقوقی مفید، شماره ۶۷، ج ۴، ۱۳۸۷، صص ۱۳۵-۱۳۴.

^۴. مطابق ماه ۱۶ قانون اساسی فرانسه «در صورت تهدید شدید و فوری نهادهای جمهوری، استقلال ملت، تمامیت ارضی یا اجرای تعهدات بین‌المللی‌اش و توقف فعالیت منظم قوای عمومی اساسی، رئیس جمهور اقدامات مقتضی برای این اوضاع و احوال را پس از مشورت رسمی با نخست وزیر، روسای مجلسین ملی و سنا و شورای قانون اساسی اتخاذ می‌کند».

تفسیر کرده است.^۱ در ذیل اصل ۱۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هیچ اشاره‌ای به محدودیت بازنگری قانون اساسی به دلیل اوضاع و احوال نشده است و حال آن که فضای ملتهب جامعه‌ی سیاسی نمی‌تواند تضمین‌کننده‌ی بازنگری قانون اساسی به نحو مطلوب باشد. با فقدان چنین محدودیتی در اصل ۱۷۷ قانون اساسی این بستر فراهم شده است که حتی در شرایط اضطراری و جنگی بتوان برای بازنگری قانون اساسی اقدام نمود و یا اگر بازنگری قانون اساسی در حال انجام است نتوان با توسل به قانون اساسی از ادامه آن جلوگیری کرد. در این راستا محتوای اصل ۶۸ قانون اساسی قابل تأمل است، چه اصل مذکور مقرر می‌دارد: «در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس‌جمهور و تصویب سه‌چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می‌شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد». برخی حقوق‌دانان^۲ معتقدند؛ اگر توقف اجرای قسمتی از قانون اساسی یعنی برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی را که بی شک دارای ارزشی پایین‌تر از کل ساختار قانون اساسی است می‌توان در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور پذیرفت، در صورت تحقق همین شرایط می‌توان جلوی بازنگری قانون اساسی را نیز گرفت. به علاوه، ممنوعیت بازنگری قانون اساسی در شرایط جنگی و اشغال نظامی کشور را در گستره‌ی اصل ۷۹ قانون اساسی^۳ به عنوان یکی از مصادیق برقراری موقت محدودیت‌های ضروری قابل تعریف و توجیه می‌دانند. اما این نظریه هر چند تفسیری به نفع قانون اساسی است قانع‌کننده نیست زیرا اهمیت بازنگری قانون اساسی ایجاب می‌کند که درج هر محدودیتی در خصوص آن به صراحت در قانون اساسی انجام شود. به علاوه، این نظریه

^۱ Jean Paul, Jacqué, op.cit., p. 158.

^۲ خلیلی، محسن، «نگاهی مقایسه‌ای به مساله بازنگری قانون اساسی مجلس خبرگان ۱۳۵۸ و شورای بازنگری ۱۳۶۸»، پیشین، ص ۱۳۷.

^۳ اصل ۷۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد، و در صورتی که ضرورت همچنان باقی است دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند».

دارای این ایراد است که تحمیل اراده‌ی قوای تاسیسی^۱ یعنی دولت و مجلس شورای اسلامی را بر قوه‌ی موسس (قوه‌ی بازنگری قانون اساسی) می‌پذیرد و حال آن که قوه‌ی موسس دارای شانی برتر از قوای تاسیسی است.

در اصل ۱۳۲ قانون اساسی به یکی از مصادیق محدودیت‌های اوضاع و احوال اشاره شده است، زیرا در دوران کفالت رئیس جمهور یعنی دوره‌ای که اختیارات و مسئولیت‌های رئیس جمهور بر عهده‌ی معاون اول وی یا فرد دیگر منصوب رهبری است نمی‌توان برای تجدیدنظر در قانون اساسی اقدام کرد. مراد از اقدام به تجدیدنظر در قانون اساسی ابتکار و انجام بازنگری است و حتی متن مصوب شورای بازنگری را نمی‌توان در صورت تأیید و امضای رهبری با تصویب در همه‌پرسی نهایی کرد زیرا اقدام به همه‌پرسی نیز از ممنوعیت‌های دوره‌ی کفالت رئیس جمهور است.^۲ منوط کردن تجدیدنظر در قانون اساسی به حضور رئیس جمهور به این دلیل است که اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه تحت‌الشعاع عدم حضور رئیس جمهور قرار می‌گیرد و کشور در آستانه‌ی تعیین رئیس جمهور جدید در وضعیتی غیر عادی است^۳ که در این وضعیت اقدام به بازنگری قانون اساسی معقول نیست و سبب ضربه خوردن به اساس حاکمیت می‌شود.^۴ در دوره کفالت رهبری یعنی عالی‌ترین مقام رسمی کشور و کلیدی‌ترین مقام در امر بازنگری قانون اساسی ممنوعیت بازنگری قانون اساسی وجود ندارد و کفیل رهبری تمام وظایف و اختیارات رهبر از جمله ابتکار و انجام بازنگری قانون اساسی را بر عهده می‌گیرد و فقط برای صدور فرمان همه‌پرسی نیازمند تصویب اکثریت سه‌چهارم اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام است. برخی از نویسندگان^۵ معتقدند که شورای موقت رهبری عهده‌دار وظایف رهبر است و دارای اختیارات رهبر نیست، لذا در هنگام فقدان رهبری و تصدی وظایف وی توسط شورای موقت رهبری نمی‌توان در قانون اساسی بازنگری کرد. این نظریه به دلیل عدم تمایز بین وظایف و اختیارات

۱. قوایی که قوه‌ی موسس آن‌ها را ایجاد و به تخصیص صلاحیت میان آن‌ها می‌پردازد را قوای تاسیسی گویند.

نگاه کنید به: عباسی، «تمایز میان قوه‌ی موسس و قوای تاسیسی»، پیشین، ص ۹۹.

۲. تقی‌زاده، پیشین، ص ۱۳۲.

۳. هاشمی، جلد اول، پیشین، ص ۲۸۳.

۴. یزدی، محمد، قانون اساسی برای همه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵، صص ۶۱۴-۶۱۳.

۵. ارشدی، علی‌یار، حقوق اساسی و شرح و نقد قانون اساسی ایران، تهران: سرمدی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۰.

رهبر در اصل ۱۱۱ قانون اساسی^۱ فاقد وجاهت کافی است^۲. بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با محدودیت زمانی در قانون اساسی مواجه نیست.

نتیجه‌گیری

رهبر به عنوان عالی‌ترین مقام رسمی کشور آغازگر فرایند بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان تنها مرجع رسمی مشورت با رهبری موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را طی حکمی خطاب به ریاست جمهوری به شورای بازنگری قانون اساسی پیشنهاد می‌کند. رعایت ویژگی‌های تخصصی بودن، اسلامی بودن و مردمی بودن دغدغه‌ی اصلی تدوین‌کنندگان اصل ۱۷۷ قانون اساسی به هنگام تعیین ترکیب شورای بازنگری بوده است. عضویت بسیاری از مقامات و مسئولین مهم کشور که مجریان اصول قانون اساسی می‌باشند در شورای بازنگری قانون اساسی از نقاط قوت ترکیب شورای بازنگری است. به علاوه، حضور حداقل ۱۲ فقیه و کارشناس اسلامی در شورای بازنگری قانون اساسی و تایید و امضای نهایی مصوبات شورای بازنگری توسط رهبر تضمین مناسبی برای حفظ ماهیت اسلامی قانون اساسی می‌باشند. حضور ۱۷ نفر از منتخبان مستقیم مردم در جمع حدوداً ۷۰ نفری شورای بازنگری قانون اساسی به منظور تامین مردمی بودن ترکیب شورای بازنگری کفایت نمی‌کند. آنچه می‌توان انتظار داشت این است که حداقل در مواردی مثل سه نفر از دانشگاهیان شخصیت‌های مستقل و افراد حاضر در عرصه‌ی عمومی به عضویت شورای بازنگری در بیایند تا فرایند بازنگری به دولتی شدن متهم نشود^۳. تدوین قانون عادی مذکور در ذیل اصل ۱۷۷ قانون اساسی تنها راه‌کار تمهیدی قانون اساسی به منظور رفع چالش‌های مربوط به انتخاب برخی از اعضا و شیوه‌ی کار شورای بازنگری قانون اساسی است. مصوبات شورای بازنگری قانون اساسی نیازمند تایید و امضای رهبری به منظور ارجاع به همه‌پرسی است. مصوبه تایید و امضا شده توسط رهبر در صورتی در معرض نظر ملت قرار خواهد گرفت که رهبری

^۱. نگاه کنید به: تقی‌زاده، پیشین، ص ۱۱۸.

^۲. تقی‌زاده، جواد، «کفالت رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۵،

پاییز ۱۳۹۰، ص ۴۶۱.

^۳. گرجی، پیشین، ص ۹۶.

فرمان همه‌پرسی را به استناد بند ۳ اصل ۱۱۰ قانون اساسی صادر کند. نتیجه همه‌پرسی زمانی اعتبار قانونی می‌یابد که اکثریت مطلق آرای شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی را کسب نماید. حفظ چارچوب و محتوای اسلامی قانون اساسی دغدغه‌ی اصلی قانون‌گذار اساسی در مقام تعیین محدودیت‌های موضوعی بازنگری قانون اساسی بوده است. کلی بودن و عدم شفافیت مفهوم برخی از محدودیت‌های موضوعی مانند محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران امکان انطباق آن‌ها با مصادیق گسترده را افزایش داده‌اند. وضعیت مقرر در اصل ۱۳۲ قانون اساسی مانعی دیگر در برابر بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است زیرا در دوره‌ی کفالت رئیس‌جمهور نمی‌توان برای تجدیدنظر در قانون اساسی اقدام کرد. ممنوعیت اقدام برای بازنگری قانون اساسی در دوره کفالت ریاست جمهوری در حالی پیش‌بینی شده است که در دوره‌ی کفالت رهبری یعنی عالی‌ترین مقام رسمی کشور و کلیدی‌ترین مقام در امر بازنگری قانون اساسی این ممنوعیت وجود ندارد.

منابع

الف. فارسی

۱. ارشدی، علی‌یار، حقوق اساسی و شرح و نقد قانون اساسی ایران، تهران: سرمدی، ۱۳۸۲.
۲. امیدی، محمدرضا، «بررسی ظرافت‌های اصل ۱۷۷ قانون اساسی»، نشریه شرق، ۱۳۸۴/۴/۲.
۳. تقی‌زاده، جواد، «تصدی کفالت ریاست جمهوری در حقوق ایران با نگاهی به حقوق فرانسه»، نامه حقوقی مفید، شماره ۶۷، ج ۴، ۱۳۸۷.
۴. تقی‌زاده، جواد، «کفالت رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۵، پاییز ۱۳۹۰.
۵. تیلا، پروانه، «تحلیل چارچوب نظری بازنگری در قانون اساسی»، نشریه حقوق اساسی، سال سوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۴.
۶. خلیلی، محسن، بررسی تاثیر تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی بازنگری آن، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

۷. خلیلی، محسن، «نگاهی مقایسه‌ای به مساله بازنگری قانون اساسی مجلس خبرگان ۱۳۵۸ و شورای بازنگری ۱۳۶۸»، مجله متین، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۰.
۸. راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۳.
۹. صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹.
۱۰. صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد سوم، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹.
۱۱. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، جلد سوم، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
۱۲. عباسی، بیژن، «تمایز میان قوه موسس و قوای تأسیسی»، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۳.
۱۳. عباسی، بیژن، «شیوه‌های بازنگری در قوانین اساسی»، فصلنامه حقوق - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶.
۱۴. فاورو، لویی، و ودل، ژرژ، «اصول فراقانون اساسی و حاکمیت ملی»، ترجمه علی‌اکبر، گرجی، نشریه حقوق اساسی، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۲.
۱۵. قاضی، ابوالفضل، گفتارهایی در حقوق عمومی، تهران: دادگستر، چاپ اول، مهر ۱۳۷۵.
۱۶. کردان، علی، منشور ملی ایرانیان و همه‌پرسی، تهران: سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۱۷. گرجی، علی‌اکبر، «بازنگری و نوسازی قانون اساسی: از جاودانگی تا تحول‌پذیری»، مهرنامه، شماره ۱۷، آذر ۱۳۹۰.
۱۸. مدنی، سیدجلال‌الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پایدار، چاپ هفتم، بهار ۱۳۸۴.
۱۹. مهرپور، حسین، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دادگستر، ۱۳۸۷.
۲۰. نجفی اسفاد، مرتضی و محسنی، فرید، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: الهدی، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.

۲۱. واعظی، سیدمجتبی، «ارزش حقوقی مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی»، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۳.
۲۲. ورعی، سیدجواد، مبانی و مستندات قانون اساسی به روایت قانونگذار، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۵.
۲۳. هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، تهران: میزان، چاپ هفتم، زمستان ۱۳۸۵.
۲۴. هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، تهران: میزان، چاپ هفتم، بهار ۱۳۸۲.
۲۵. یزدی، محمد، قانون اساسی برای همه، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۵.

ب. فرانسه

26. Chantebout, Bernard; Droit constitutionnel, Paris, Armand Colin, 20^e édition, 2003.
27. Jacqué, Jean Paul; Droit constitutionnel et institutions politiques, Paris, Dalloz, 8^e édition, 2010.
28. Pactet, Pierre; Institutions politiques Droit constitutionnel, Paris, Armand Colin, 21^e édition, 2002.